

### متن پیاده سازی شده جلسه بیست و دوم سال پنجم درس خارج فقه القضا 16 آبان ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

سوال شده است از آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» در مورد جواز اخذ اجرت در واجبات نمی‌توانیم استفاده کنیم؟

در مورد اخذ اجرت در واجبات اشکالی نداشتیم و اشکالاتی که مطرح شده بود را جواب دادیم. مشکل در اخذ اجرت در واجبات عبادی بود. در هر صورت از این آیه چنین استفاده‌ای نمی‌توانیم بکنیم؛ زیرا آیه بیان نمی‌کند که پیامبر (ص) می‌تواند اجرت بگیرد ولی نمی‌گیرد.

اشکال شده است که در لفظ قصد قربت زیاد دقت می‌کنید و در معنای تحت‌اللفظی قصد قربت مانده‌اید؛ اما اگر به ارتکازات مراجعه کنید متوجه خواهید شد که تحقق قصد قربت زیاد سخت نیست و ما نباید دقت عقلی در آن کنیم؛ لذا قصد قربت با قصد بهشت و طلب روزی در عمل هم جمع می‌شود.

پاسخ این اشکال این است که ما بیان کردیم نباید در قصد قربت حساس شویم. اصلاً در ادله قصد قربت نداریم. در ادله لفظ اخلاص داریم. در کلمات علما قصد قربت داریم. در ذیل آیه «وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» امام می‌فرمایند: «خالصا مخلصا لايشوبه شیء» یا تعبیر لله داریم.

در مورد سیره نمی‌توانیم ادعا کنیم که سیره داشته‌ایم. در مورد حج سیره بر اخذ اجرت و انجام حج وجود داشته است. در مورد نماز بنده امیدی ندارم که به سیره‌ای برسیم. در روایات هم در این مورد مطلبی نداشتیم. شیخ انصاری اشاره می‌کنند که سیره وجود دارد. کدام سیره مدنظر ایشان است؟ سیره در عصری خاص یا سیره از زمان ائمه؟ شاهی بر سیره نداریم.

#### امتداد قول به منع

صاحب وسائل از کسانی است که نسبت به استیجار در عبادات اشکال دارند. کسانی که ادعای اجماع می‌کردند بدانند ایشان که از محدثان قوی هستند فتوا به عدم جواز می‌دهند. ایشان بایی دارند تحت عنوان «باب عدم جواز اخذ الاجرة علی الاذان و الصلاة بالناس و القضاء و سایر الواجبات کتغسیل الاموات و تکفینهم و دفنهم» باب عدم جواز اخذ اجرت بر اذان و نماز جماعت و قضا. به قرینه اذان و نماز جماعت و سایر واجبات مانند غسل اموات منظور ایشان از قضا، نماز قضا است. مثال‌هایی که می‌زنند از عبادات است؛ اما کفن و دفن میت را بنده از عبادات نمی‌دانم. عناوینی که شیخ انتخاب می‌کنند فتوای ایشان است.

صاحب وسائل در استدلال به عدم جواز یک روایت می‌آورند که چون روایت زیاد نداریم باید سند و متن را بررسی کنیم تا ببینیم مدعای شیخ حر از روایت برداشت می‌شود.

شیخ حر می‌فرماید: «وتقدم ما يدل علی ذلك فی الاذان و فی احادیث التظاهر بالمنکرات و فی اختلال الدنیا بالدین فی جهاد النفس و غیر ذلك». قبلاً آنچه دلالت بر عدم جواز می‌کند در اذان و احادیث تظاهر به منکرات و خدعه دنیا در قالب دین که در باب جهاد نفس آمده است گذشت.

ایشان می‌گویند یکسری روایات داریم که از مجموع آن‌ها عدم جواز اخذ اجرت در واجبات استفاده می‌شود.

متن روایت این است: «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار عن عبدالله بن المنبه عن الحسين بن علوان عن عمرو بن خالد عن زيد بن علی عن ابیه عن آبائه عن علی علیهم السلام انه اتاه رجل فقال: یا امیر المومنین و الله انی احبک لله

فقال له: لكنى أبغضك لله قال: لم؟ قال: لانك تبغى فى الاذان و تأخذ على تعليم القرآن اجرا و سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: من اخذ على تعليم القرآن اجرا كان حظه يوم القيامة» .

محمد بن حسن یعنی شیخ طوسی به اسنادش یعنی مستقیم از صفار نقل نمی‌کند؛ بلکه اسناد به صفار می‌دهد؛ لذا باید ببینیم که اسناد شیخ طوسی به صفار معتبر است یا نه. در انتهای کتاب تهذیب شیخ طوسی، مشیخه دارد. سند شیخ از محمد بن حسن صفار بیان شده است.

کسانی که از نرم‌افزار استفاده می‌کنند دقت کنند نرم‌افزار اسناد را بررسی نمی‌کند. هر فردی که در سند آمده است را بررسی می‌کند و اعتبار و عدم اعتبار سند روایت را بیان می‌کند. به‌رحال اسناد شیخ طوسی به محمد بن حسن صفار معتبر است. محمد بن حسن صفار از رجال شیعه است و مشکلی ندارد. در وسائل و تهذیب عبدالله بن المنبه آمده است؛ اما کسانی که رجال کار کرده‌اند می‌گویند باید منبه بن عبدالله باشد که این فرد هم معتبر است. وضعیت حسین بن علوان معلوم نیست. عمرو بن خالد هم شناخته شده نیست. مشکل روایت حسین بن علوان و عمرو بن خالد هستند. اگر در روایت وثاقت یک نفر مشکل داشته باشد روایت کنار گذاشته می‌شود. برخی در بررسی سند روایت، تک‌تک روایت را بررسی نمی‌کنند. شهرت روایت یا مستفیض بودن آن را لحاظ می‌کنند و این موارد را جابر ضعف روایت می‌دانند.

روایت بیان می‌کند شخصی نزد امیر المومنین (ع) آمد و گفت: والله انی احبک لله. امام فرمود: من هم برای خدا تو را مبعوض دارم. فرد به امام گفت: چرا؟ امام به او فرمودند: برای اینکه تو با اذان کسب می‌کنی و بر تعلیم قرآن پول می‌گیری. از رسول خدا (ص) شنیدم کسی که برای تعلیم قرآن پول بگیرد بهره او همان پول است. در روز قیامت نمی‌تواند بگوید من معلم قرآن بوده‌ام. به او می‌گویند معلم قرآن بوده‌ای و پول آن را هم گرفته‌ای.

شیخ حر از حدیث استفاده می‌کنند که پول گرفتن برای اذان و تعلیم قرآن و عبادات حرام است. ایشان مستفاد از مجموعه مطالب را حرمت می‌دانند.

مرحوم محقق بحرانی، صاحب حدائق، قائل هستند که برای امام جماعت، نماز و روزه استیجاری می‌توانیم پول بگیریم. ایشان به شیخ حر می‌گویند شما برای حرمت دلیل نیاورده‌اید و این ادله برای حرمت کفایت نمی‌کند. صاحب حدائق می‌گویند برای مشروعیت اجاره و اخذ اجرت در عبادات روایاتی داریم. «لاسیما مع ورود الاستیجار علی العبادات و مشروعیت. و کیف کان فالاحتیاط فی ما نکره» ایشان می‌گویند احتیاط در چیزی است که مانعین ذکر کردند؛ اما بنده فتوا به حرمت نمی‌دهم. نقد و داوری کلام شیخ حر عاملی و محقق بحرانی

صددرصد فرمایشات شیخ حر را قبول نداریم و لذا در این جا کلام صاحب حدائق را می‌پذیریم؛ اما کلام محقق بحرانی هم خالی از اشکال نیست.

دلالت این روایت بر حرمت اخذ اجرت را نمی‌پذیریم. ممکن است کسی سند روایت را با توجه به شهرتی که دارد تصحیح کند و شیخ حر هم سند آن را قطعی می‌داند. اگر سند را نادیده بگیریم آیا دلالت بر حرمت دلالت می‌کند؟

امام به او می‌فرماید من از تو بیزارم به‌خاطر این که برای اذان پول می‌گیری. آیا این مقدار دلالت برای اثبات عدم جواز اخذ اجرت کفایت می‌کند؟ ممکن است کسی بگوید این قضیه شخصی است. ما نمی‌دانیم چطور پول می‌گرفته است؛ مثلاً چانه‌زنی می‌کرده است. اگر امام می‌گفتند من از هرکسی که برای اذان پول می‌گیرد غضبناک هستم شاید می‌توانستیم چنین برداشتی کنیم؛ اما امام می‌فرماید من از تو غضبناک هستم.

اگر استدلال شود که امام تعلیل آورده‌اند و می‌فرمایند: «لانک تبغی فی الاذان» ما در جواب می‌گوییم اصولاً بغض نشانه حرمت نیست. شاید بغض برای کارهایی که ضد اخلاق است؛ اما حرام نباشد گفته می‌شود. برای طلاق بغض آمده است؛ اما حرام نیست. گاهی کار خیلی ناپسند است؛ اما حرام نیست.

خوب است کسی در مفهوم‌شناسی بغض و دلالت آن بر حرمت یا عدم حرمت یک مقاله‌ای بنویسد. به نظر بنده از بغض حرمت استخراج نمی‌شود.

در قسمت دوم روایت می‌فرماید: اگر کسی پول بگیرد در قیامت حظی نخواهد برد. این دال بر حرمت نیست. یک نکته‌ای که در اینجا است این است که می‌گوید بهره‌اش همین پولی است که گرفته است. آیا این قسمت از روایت می‌تواند برای بحث ما مفید باشد؟ اگر کسی برای نماز پول گرفته باشد و بهره‌اش همین پول باشد و چیزی عاید او نشود مشکل می‌شود؛ زیرا ما می‌خواهیم

اخذ اجرت را با قصد قربت جمع کنیم. این روایت شاید دال بر حرمت اخذ پول در مقابل تعلیم قرآن نباشد و معلم قرآن بتواند پول بگیرد اما بر منع اخذ پول در عبادت استیجاری می‌توانیم استدلال کنیم چون می‌گوید هیچ بهره‌ای ندارد. روایت دیگری از ابن مسکان است. «احمد بن ابی‌عبدالله البرقی فی المحاسن عن ابیه عن یونس عن ابن مسکان عن ابی‌عبدالله علیه السلام فی قول الله: حنیفاً مسلماً ... قال: خالصاً مخلصاً لایشوبه شیء»

احمد بن ابی‌عبدالله برقی معتبر است اگرچه نجاشی او را تضعیف کرده است؛ اما ما می‌پذیریم و مشکلی برای روایت نمی‌بینیم. یونس بن ابی‌رحمن از اصحاب اجماع است. ابن مسکان از اصحاب اجماع است. روایت از نظر سندی خوب است.

امام فرمودند: عبادت باید خالص و مخلص باشد و هیچ چیزی در آن نباشد. شیخ حر در جای دیگری این روایت را دارند. از این روایت می‌توان استفاده کرد که عبادت استیجاری به جهت این که پول می‌گیرد نمی‌توانیم آن را خالصاً مخلصاً بدانیم. صاحب حدائق به شیخ حر اشکال می‌کنند که ادله شما ضعیف است درحالی‌که این روایت ضعیف نیست؛ لذا از جمله اشکالی که ما به محقق بحرانی می‌گیریم این است که این روایت ضعیف نیست که شما به شیخ حر می‌گویید ادله ضعیف است.